

توسعه‌ی گردشگری روستایی



سحر رستگارژاله*



چکیده

روستا بنا به ماهیت خویش دارای ویژگی‌هایی است که پیوندهای عمیقی با خاطرات انسان امروزی دارد، امروزه برای رهایی از سیمان و دود و صداهای ناهنجار شهرها به روستاها پناه می‌بریم تا ساعاتی به دور از هیاهو، کنار نبض آرام روستا بنشینیم و به صدای طبیعت گوش دهیم. اما با نگاهی به سرگذشت روستاهای کشورمان درمی‌یابیم که به دلیل مهاجرت اهالی روستا به شهرها، آرام آرام حیات از روستاها رخت بر بسته و به مرگ تدریجی دچار شده‌اند.

* کارشناس ارشد مرمت و
احیای بناهای تاریخی

پست الکترونیک:
rastegar.sahar@gmail.com

روستاییان، قلب تپنده‌ی روستا هستند که چندگاهی است به دلیل مشکلات اقتصادی و بی‌کاری و همچنین شکاف عمیق میان شهر و روستا، به شهرها پناه آورده و روستا را یکه و تنها بر جای گذاشته‌اند. روستا بدون مردمش به تدریج خالی از حیات می‌گردد و یا حضور غریبه‌ها را با ماشین‌ها و خانه‌های رنگارنگ‌شان باور نمی‌کند و خالی از معنا می‌شود. با توجه به ساخت و سازهای غیراصولی این روزها، شاید تا چند سال دیگر روستایی با ویژگی‌هایی که از یک روستا می‌شناسیم، نیابیم. گویی از شهر خود به شهری کوچک‌تر رفته‌ایم. باید چاره‌ای اندیشید تا از این طریق برای روستاییان، رفاه نسبی فراهم شود و از مهاجرت آن‌ها جلوگیری شود. از آن‌جا که شیوه‌های سنتی تولید، پاسخگوی نیاز امروزمین مردم روستا نیست، گردشگری به عنوان یک راهکار به منظور باززنده‌سازی روستاهای تاریخی مان پیشنهاد می‌گردد.

با نگاهی به صنعت گردشگری در روستاهای داخل و خارج کشورمان درمی‌یابیم که گردشگری دارای پیامدهای مثبت و منفی در زمینه‌ی اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی است. برای به حداقل رساندن پیامدهای منفی و بهره‌برداری از نکات مثبت گردشگری، باید تمهیداتی اندیشید که موجب باززنده‌سازی روستا گردد و بر ابعاد بوم‌شناسانه تأکید ورزد.

به طور کلی توسعه‌ی گردشگری در مناطق روستایی در صورتی که منافع آن به جوامع محلی برگردد، می‌تواند وسیله‌ی مناسب و سودمندی برای اصلاح اقتصادی و اجتماعی آن باشد و هنگامی که مردم دارای حس تعلق باشند و نسبت به باارزش بودن آن‌چه در اختیار دارند، آگاه باشند، می‌توانند کمک بسیار بزرگی در راستای پیشبرد اهداف محسوب شوند؛ و مشارکت آن‌ها در تمامی مراحل نشان از موفق بودن طرح دارد. اما استفاده از این فرصت پدید آمده برای مناطق روستایی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، مستلزم هدایت، نظارت، کنترل و تقویت در چارچوب اهداف توسعه‌ی گردشگری روستایی است. از این رو برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی ضرورت یافته است.

کلید واژگان: گردشگری، گردشگری روستایی، پیامدهای گردشگری، ارتقای آگاهی، مشارکت روستاییان، مدیریت و نظارت.



آبه ترکمن. عکس: ناصر توسلی

مقدمه

مردم روستا به شهرها پناه می‌آورند، زیرا می‌خواهند کاری برای خود دست و پا کنند و روزی خود را در شهر می‌جویند؛ عده‌ای برای دست یافتن به زندگی بهتر به شهرها می‌آیند و برخی دیگر نمی‌خواهند دیگر روستایی باشند. اهالی روستا می‌روند و ما شاهد تنها شدن روزافزون روستاهای تاریخی کشورمان هستیم. خالی از سکنه شدن روستا منجر به از بین رفتن کامل محیط طبیعی و مصنوع آن می‌شود، زیرا نبض روستا به هوای مردمانش می‌زند.

باید چاره‌ای اندیشید؛ به گونه‌ای که روستاییان خود بخواهند در روستاهایشان بمانند؛ بخواهند روستایی بمانند. بدیهی است اقدامات کالبدی به تنهایی کافی نیست و از آن‌جا که شیوه‌های سنتی تولید، پاسخگوی نیاز امروزمین مردم روستا نیست، گردشگری به عنوان یک راهکار به منظور باززنده‌سازی روستاهای تاریخی مان پیشنهاد می‌گردد.

صنعت گردشگری، نگاهی دوسویه دارد؛ بدین معنا که هم برای شهرنشینان که عنوان گردشگر را دارند و هم برای روستا و روستانشینان دارای پیامدهای مثبت و منفی است. اما این نوشتار، تنها به پیامدهای آن برای روستا نظر دارد و تاثیر این صنعت را در آن بیان می‌کند.

تزریق صنعت گردشگری در شریان روستاها، جان تازه‌ای به آن داده و آن را از مرگ تدریجی نجات می‌دهد. از این رهگذر، می‌توان با اتکای کم‌تر به منابع طبیعی تولیدی، فرصتی را در اختیار روستاییان برای تحریک رشد اقتصاد خویش در راستای تولید درآمد و اشتغال قرار دهد. گردشگری، علاوه بر آثار مثبت اقتصادی، در زمینه‌ی اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی نیز روستا را به سمت زیستی دوباره و دیگرگونه سوق می‌دهد.

البته این دیگرگونه زیست کردن، گاهی برای روستا و روستانشین پیامدهای منفی نیز در بر دارد. با نگاهی به برخی از روستاهای کشورمان که در اغلب روزهای خود، شاهد حضور گردشگران فراوانی هستند، درمی‌یابیم که اگر پیش از اقدام، درست اندیشیده نشود، عواقب بی‌شماری در پی دارد که گاهی روستا و روستانشینان را عاصی کرده تا روزها و روزگارشان را پنهان کنند و به شهرها بگریزند.

بنابراین باید تمهیداتی اندیشیده شود تا از نکات مثبت گردشگری بهره برد و پیامدهای منفی آن را به حداقل رسانید. برای این منظور، نگارنده پس از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، چهار اصل حقوق مردم و بهره‌مندی از مزایای طرح، ارتقای آگاهی مردم، مشارکت اهالی و مدیریت و نظارت مستمر را با ذکر دلایل و شواهد، مهم انگاشته و در انتهای این نوشتار پس از بیان پیامدهای مثبت و منفی گردشگری، آورده است.

۱. پیامدهای مثبت گردشگری

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۶ عمده‌ی کارکردهای گردشگری روستایی را تلاش برای برآوردن دو هدف زیر می‌داند:

الف. افزایش ظرفیت اقتصاد جوامع روستایی برای نوآوری و توسعه‌ی منابع انسانی با جلب سرمایه‌گذاری در این مناطق و متنوع کردن ساخت و کارکردهای اقتصادی جوامع روستایی.

ب. خروج مناطق روستایی از حالت انزوای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی موجود و اتصال اقتصاد مناطق روستایی کشورها به اقتصاد منطقه‌ای، ملی و جهانی با توجه به فرایندهای رو به رشد جهانی شدن. (مقصودی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۵)

در صورتی که برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت گردشگری به خوبی صورت گیرد، پیامدهای مثبت زیر را شامل می‌شود:

۱.۱. آثار اقتصادی

مهم‌ترین و اصلی‌ترین جاذبه‌ی گردشگری روستایی، عرصه‌ی روستاست و برای جلب گردشگر به سوی محیط‌های روستایی و نگه داشتن آن‌ها در روستا، باید انواع جاذبه‌ها برای آسایش و سرگرمی آن‌ها مهیا شود و به آنان امکان داده شود تا ضمن هزینه کردن، در اقتصاد محلی و روستا مشارکت کنند. این آثار اقتصادی را می‌توان در سه مورد ذکر کرد: (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۸)

۱.۱.۱. آثار درآمدی:

مخارجی که ناشی از گردشگری است، به صورت درآمد به اقتصاد آن روستا یا ناحیه تزریق می‌شود؛ به گونه‌ای که وقتی گردشگر در ناحیه‌ی روستایی پول خرج می‌کند، باعث ایجاد درآمد برای شخص دیگری شده و در نتیجه بخشی از درآمد این شخص دوباره خرج و بقیه پس‌انداز می‌شود. به همین ترتیب میزان معینی از مخارج یک شخص طی دفعات متوالی و در مدت زمانی نسبتاً قابل توجه، اثر لازم را در اقتصاد آن مکان بر جای می‌گذارد. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۳۹)

گردشگری روستایی با افزایش درآمد روستاییان از طریق ارائه‌ی خدمات و فروش تولیدات خود به گردشگران، تلاش برای به کارگیری استعدادها و کشف منابع بالقوه برای کسب درآمد از راه رشد صنایع دستی روستایی و جذب سرمایه‌های سرگردان و به جریان انداختن آن در محیط روستا، خود، عاملی است برای دستیابی به سطحی از تعادل اقتصادی به واسطه‌ی تسریع در گردش پول در فضای روستاها.

شیوه‌ی مهمان‌پذیری و پذیرایی در روستاها پاسخگوی دغدغه‌های بسیار است: از یک سو برای روستاییان، امکان حفاظت و همچنین بهسازی میراث غیرمنقول و محل سکونتشان را فراهم می‌آورد و از سویی از مهاجرت آنان به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند؛ درآمد مکمل برای آنان فراهم می‌نماید و روستای آنان را از بن‌بست و انزوا بیرون می‌آورد و برای شهرنشینان نیز آرامش و مکانی برای استراحت ایجاد می‌کند.

مهمانسراها می‌توانند شامل تنها یک اتاق تجهیز شده برای پذیرایی از مسافر گذرا و ارائه‌ی خدمات خواب و غذای روزانه باشد و یا شامل خانه‌ای مجهز، به منظور اقامت چند روزه در آن مکان باشد. علاوه بر آن می‌توان فضاهایی را با نام ایستگاه‌های سبز در میان جنگل ایجاد نمود و از آن‌جا به منظور اقامت چند ساعته استفاده کرد؛ ایستگاه‌های سبز فعالیتی مشابه کافی شاپ‌های شهری دارند ولی با تفاوت‌های چشمگیری از نظر نوع و نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۴۹)

۲.۱.۱. آثار اشتغال‌زایی

با توجه به آثار جنبی گردشگری در اقتصاد، امر اشتغال‌زایی دارای اهمیت فراوانی است که می‌تواند علاوه بر ایجاد درآمد و متنوع‌سازی اقتصاد محلی از آثار زیانبار فرهنگی-اجتماعی ناشی از بی‌کاری جلوگیری کند. از این رو، صنعت گردشگری بسیار کاربر بوده و یکی از مزیت‌های مهم آن شاید بی‌نیازی به نیروی کار متخصص و استفاده از نیروی کار ساده یا نیمه ماهر برای خدمت در این صنعت، به خصوص در بخش ساختمان و تهیهی مواد غذایی مورد نیاز گردشگران است که باعث اشتغال موقت یا دائم برای بیشتر سکنه‌ی روستا می‌شود. (سینایی، ۱۳۷۹: ۴۱)

به عنوان مثال مردمی که از نواحی روستایی بازدید می‌کنند به جا و مکان مناسب برای سکونت نیاز دارند. ایجاد تسهیلاتی مانند مهمانسرا و غذاخوری با هدف اصلی درآمد روستاییان صورت می‌گیرد که در این حالت به منظور تهیهی غذای سنتی می‌توان از زنان روستایی کمک گرفت.

گردشگری می‌تواند میراث فرهنگی آن ناحیه را حفظ کند؛ مکان‌های باستانی، الگوهای فرهنگی موجود، فعالیت‌های اقتصادی و سنتی، سبک معماری محلی، هنر و صنایع دستی و غیره، جاذبه‌های مهمی برای گردشگران است

۳.۱.۱. گردشگری محرکی برای سرمایه‌گذاری روستاها

این صنعت، دارای ساختار منحصر به خود است. به خصوص تجمع تعداد بسیاری از بنگاه‌های کوچک که طیف وسیعی از خدمات را ارائه می‌دهند (هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی، صنایع دستی و غیره). بنابراین دولت‌ها نیز به همین دلیل توجه بیشتری به سرمایه‌گذاری در

این گونه صنایع دارند؛ زیرا ایجاد مقادیر معینی سرمایه‌گذاری در صنایع زیربنایی (راه، آب، برق و ...) موجب سرمایه‌گذاری‌های دو چندان در صنایع جانبی و پشتیبانی‌کننده‌ی این صنعت می‌شود. (اردستانی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

از این رو برای افزایش زیرساخت‌ها و بهبود خدمات و تسهیلات رفاهی-تفریحی قابل ارائه به گردشگران در روستاها نیازمند امکانات اساسی در روستاها هستیم، که این فقط با سرمایه‌گذاری و جذب اعتبارات ملی و محلی و سوق دادن آن‌ها به سمت سکونتگاه‌های روستایی امکان‌پذیر است. اگر منافع اقتصادی گردشگری به درستی توزیع شود، سطح زندگی مردم بهبود می‌یابد. توسعه‌ی گردشگری با ایجاد مشاغل در بخش‌های ساختمان و خدمات نیز افزایش می‌یابد و درآمد افراد به واسطه‌ی پدید آوردن مشاغل جدید با دستمزدی بهتر، بر ساختار اجتماعی تاثیر می‌گذارد. (قاسمی،

۱۳۸۸: ۲۳۸-۲۳۷)

۲.۱. آثار اجتماعی - فرهنگی

گردشگری می‌تواند تغییرات فرهنگی و اجتماعی مهمی را در روستاهای میزبان ایجاد کند و از طریق توزیع درآمد، اشتغال‌زایی و کاهش فقر، باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی شده و رفاه و سلامت عمومی را ایجاد کند. (قادری، ۱۳۸۳: ۱۵) از آن‌جا که گردشگری عبارت از سیاحت در زمان و مکانی گسترده‌تر است، این فرهنگ‌ها هستند که با حرکت و گسترش خویش پایه و اساس تمدن‌ها را شکل داده‌اند؛ بنابراین گردشگری علاوه بر آثار عمیق فرهنگی و روحی، به مثابه پلی قلمداد می‌شود که انسان‌ها و سرزمین‌ها و در مفهومی محلی و کوچک‌تر روستاها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و موجبات استحکام پیوندهای اجتماعی ملت‌ها را فراهم می‌آورد. (شارپلی، ۱۳۸۰: ۸۴)

همچنین با توسعه گردشگری، اقشار اجتماعی تازه‌ای در مناطق روستایی شکل می‌گیرد و در پی مبادلاتی که در میان مردم محلی و گردشگران صورت می‌گیرد، ساختار خانواده به نوسازی می‌گراید و زنان و جوانان در این چارچوب آزادی بیشتری به دست می‌آورند.

گردشگری با توسعه و گسترش روابط مکانی - فضایی روستاها و دیگر نقاط سکونتگاهی، سبب ایجاد فرصت برای مرادوات اجتماعی و تبادلات فرهنگی میان افراد و همچنین افزایش آگاهی عمومی جامعه روستایی و تکامل و تعالی شخصیت روستاییان با اطلاع از ارزش‌های فرهنگی خود و دیگر مراکز جمعیتی می‌شود، که در گذر زمان، باعث تحکیم روابط و مناسبات مابین افراد و در نهایت کاهش قدرت نامتعادل اجتماعی و به وجود آمدن نوعی حس تعلق مکانی، اتحاد میان مردم، ملت‌ها و ایجاد صلح، همبستگی و پرهیز از هرگونه تحقیر محلی و سرزمینی می‌شود. (مدهوشی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۹) در واقع وقتی مردم روستایی می‌بینند که گردشگران به فرهنگ آنان با دیده‌ی تحسین می‌نگرند، احساس مباهات به فرهنگ خودی در آن‌ها تقویت و یا حتی زنده می‌شود.

گردشگری روستایی می‌تواند موجب گسترش یک‌پارچگی و هم‌گرایی اجتماعی - فرهنگی طبقات مختلف مردم در نواحی روستایی گردد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای که در آن‌ها گروه‌های قومی متعدد و مذاهب مختلف در کنار هم حضور دارند، تحرک گردشگران که همایش مردم، مذاهب، اقوام و گروه‌های اجتماعی مختلف را ممکن می‌سازد، می‌تواند وحدت و انسجام محلی را مستحکم کند. علاوه بر این‌ها، گردشگری می‌تواند میراث فرهنگی آن ناحیه را حفظ کند؛ مکان‌های باستانی، الگوهای فرهنگی موجود، فعالیت‌های اقتصادی و سنتی، سبک معماری محلی، هنر و صنایع دستی و غیره، جاذبه‌های مهمی برای گردشگران است و می‌تواند محرکی برای حفظ و زنده نگه‌داشتن این الگوها و ارزش‌ها شوند.

۳.۱. آثار زیست محیطی

طبیعت گهواره و زادگاه انسان است و فعالیت‌های انسانی در چارچوب آن شکل می‌گیرد. طبیعت‌گردی تعادل و آرامش را در جامعه‌ی محلی افزایش می‌دهد و آن را حفظ می‌کند. همبستگی اجتماعی بهبود می‌یابد، به نحوی که افراد و خانواده‌ها برای ایجاد یک کار اکوتوریستی موفق همکاری می‌کنند و مقداری از منافع و وجوه به دست آمده برای اهداف توسعه‌ی اجتماعی مثلاً برای ساختن مدارس یا بهبود جاده استفاده می‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۱۹)

گردشگری روستایی می‌تواند با تکیه بر راهکارهای زیر تلاشی برای توسعه‌ی روستاها مبتنی بر قابلیت‌های طبیعی آن باشد: (شارپلی، ۱۳۸۰: ۴۲)

۱. محافظت از منابع طبیعی و ترویج حساسیت و آگاهی نسبت به سیستم‌های اکولوژیکی با کمک افراد بومی؛

۲. افزایش آگاهی‌های زیست محیطی و آگاهی‌های زیباشناختی در بین اهالی روستا و بازدیدکنندگان؛

۳. بهره‌گیری، حفاظت و استفاده‌ی بهینه از محیط‌زیست طبیعی و تاریخی روستا با مشارکت روستاییان و گردشگران؛

۴. استمرار منافع بلندمدت جامعه‌ی روستایی با محافظت مستمر از منابع محلی؛

۵. تخصیص اعتبار برای محافظت از طبیعت.



روستای جهان نما (شهرستان کردکوی). عکس: معین مطلق

۲. پیامدهای منفی گردشگری

۱.۲. پیامدهای منفی اقتصادی

اگرچه توریسم منافی از قبیل ارزآوری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد دولت و مدرنیزاسیون و صنعتی شدن کشاورزی را به ارمغان می‌آورد، اما از سوی دیگر مانند شمشیر دولبه‌ای است که به بسیاری از جوامع بومی آسیب می‌رساند. منافع اقتصادی آن عمدتاً نصیب کارآفرینان و جوامع شهری شده و میزان برگشت سرمایه به جوامع روستایی بسیار اندک است.

- تسهیلاتی از قبیل اتاقک‌ها، هتل‌ها و شرکت‌های گردشگری عمدتاً متعلق به سرمایه‌گذاران شهری است و بیشترین سود را آنان به دست می‌آورند.

- غذا، نوشیدنی و سایر اقلام ضروری که روزانه مورد استفاده گردشگران قرار می‌گیرد به طور محلی تولید نمی‌شود و معمولاً از خارج روستا وارد می‌شود.

- فقط کارهای ساده و سطح پایین به نیروهای کار محلی واگذار می‌شود و به همین دلیل فرصت‌های اشتغال برای مردم محلی بسیار محدود است. (فتاحی کنعانی، ۱۳۸۴: ۴۲)
- گسترش گردشگری روستایی ممکن است باعث تغییر کاربری اراضی کشاورزی به تاسیسات و تجهیزات مرتبط با گردشگری شود و بورس بازی زمین را رونق بدهد.
- رواج بهره‌برداری تفریحی از مزارع و باغات روستاها و

ارزش‌های ذاتی در میراث فرهنگی که بافت‌های روستایی نمونه‌ای جامع برای آن‌ها شمرده می‌شود، مربوط به اصالت در منابع محیطی و کالبدی این بافت‌هاست

تبدیل آن‌ها به باغ‌های خانگی کم بازده.

۲.۲. پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی

در صورتی که برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت گردشگری به شایستگی صورت نگیرد موجب بروز مشکلاتی از قبیل موارد زیر می‌شود: (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۴۰-۲۳۹)

۱. یک مشکل رایج، تراکم بیش از حد جمعیت گردشگران در روستا و از بین رفتن آسایش مردم محل است که منجر به ایجاد نارضایتی و حس دشمنی به گردشگران می‌شود. علاوه بر آن، ویژگی‌های جذاب و فرح‌بخش، رستوران‌ها، تسهیلات خرید و حمل و نقل چنان از گردشگران انباشته می‌شوند که بهره‌مندی آسان مردم محل را از آن ناممکن می‌سازد.

از طرفی به دلیل ورود انبوه گردشگران به مناطق روستایی و محدودیت‌های کالبدی و فیزیکی روستا

و امکانات و خدمات موجود، امکان ارائه خدمات مطلوب و رضایت‌بخش به گردشگران وجود ندارد و فقط آن دسته از روستاها بهره بیشتری از این فرصت‌ها خواهند برد که امکان دسترسی آسان‌تری دارند و می‌توانند امکانات خدمات سطح بالاتری را به گردشگران ارائه نمایند.

۲. ممکن است دیدار بیش از اندازه‌ی گردشگران از مکان‌های تاریخی و باستانی، موجب ویرانی تدریجی آن‌ها شود.

۳. ممکن است مردم محلی هنگام تماس با گردشگران برای همیشه دچار استحاله شوند و بدین طریق گردشگری موجب آسیب رساندن به اصالت فرهنگ‌های بومی شوند. مردم محل، به ویژه جوانان دچار عارضه‌ی بیگانه‌نمایی شوند و از الگوهای رفتاری و پوشاکی گردشگران تقلید کنند.

۴. ممکن است به سبب افراط در ایجاد جذابیت‌های گردشگری، برخورد بیش از اندازه تجارت‌مآبانه با جلوه‌های فرهنگی مناطق روستایی مختلف صورت گیرد و اعتبار و اصالت آن‌ها به عنوان جاذبه گردشگری، از بین برود و به کالا تبدیل شود.

۵. ممکن است به واسطه‌ی تفاوت زبان و آیین‌ها و سنت‌ها و عادات مردم محل و گردشگران، میان دو طرف سوء تفاهمات و برخوردهایی بروز کند که سبب ترسیم تصویر نامطلوبی از گردشگری شود.

۶. هجوم ثروتمندان غیرروستایی به روستاها و تجاوز به حریم ساکنان روستا به علت تراکم و افزایش جمعیت.

۳,۲. پیامدهای منفی زیست محیطی

این واقعیت که بیش‌تر گردشگران وقتی به مقصدی می‌رسند همان روش‌های مصرفی و تولیدزبانه‌ی خود را ادامه می‌دهند، می‌تواند برای کشورها و مناطق در حال توسعه یک مشکل جدی باشد.

دو بخش اصلی تاثیرات زیست محیطی گردشگری عبارتند از: فشار بر روی منابع طبیعی و صدمه به اکوسیستم‌ها. علاوه بر این، امروزه مشخص است که نه تنها گسترش کنترل نشده‌ی گردشگری منجر به تخریب محیط‌زیست می‌شود، بلکه به همین ترتیب تخریب محیط‌زیست نیز خطرات شدیدی را برای فعالیت‌های گردشگری در پی دارد. مهم‌ترین منابع طبیعی که به خاطر گسترش گردشگری آسیب می‌بینند عبارتند از: زمین، آب‌های شیرین و ذخایر دریایی.

برای نمونه بدون برنامه‌ریزی مناسب کاربری زمین، گسترش سریع گردشگری می‌تواند رقابت برای دستیابی به منابع زمینی را افزایش دهد و منجر به بالا رفتن قیمت زمین و افزایش فشار برای ساخت و ساز روی زمین‌های کشاورزی شود. علاوه بر این، گسترش کامل گردشگری می‌تواند چشم‌اندازهای طبیعی را به ویژه از طریق از بین بردن مرداب‌ها و فرسایش خاک، با خطر مواجه

سازد. (راسلق قزلباش، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

رقابت بخش‌های کشاورزی، صنایع و خدمات همراه با مصارف خانگی و دیگر کاربری‌ها برای دستیابی به آب شیرین در بسیاری از کشورها و مناطق به سرعت به یکی از مهم‌ترین مسایل مربوط به منابع طبیعی تبدیل شده است. گسترش شتابان صنعت گردشگری که به آب بسیار زیادی احتیاج دارد، می‌تواند با فشار آوردن بر روی ذخایر نادر آب در بسیاری از مکان‌ها این مسئله را وخیم‌تر کند. رشد بی‌رویه‌ی فعالیت‌های گردشگری ساحلی و دریایی مانند غواصی و ماهیگیری تفریحی، می‌تواند شیلات و دیگر منابع دریایی را نیز با معضل مواجه سازد.

صنعت گردشگری به خاطر تولید حجم قابل توجهی زباله و آلودگی، موجب آلودگی آب‌های شیرین و همچنین آب‌های دریایی مناطق ساحلی می‌گردد.

تخریب زیستگاه‌ها و اکوسیستم‌های محلی، کمک به فرسایش و رانش زمین، خطر آتش‌سوزی برای جنگل‌ها، آلودگی رودخانه‌ها و انباشته شدن زباله‌ها در راه‌ها. (دهقان، ۱۳۸۴: ۴۸)

۳. تمهیدات برای حداقل رساندن پیامدهای منفی گردشگری.

مفهوم گردشگری روستایی به علت کارکردهای متنوعی که فضای اکولوژیکی ایجاد می‌کند، باید بر ابعاد بوم‌شناسانه تأکید ورزد. به طور کلی به منظور به حداقل رساندن پیامدهای منفی گردشگری و بهره‌وری از مزایای آن، هنگام باززننده سازی یک مکان از طریق گردشگری، باید چهار اصل زیر را در نظر داشت:

۱.۳. حقوق مردم و بهره‌مندی از مزایای طرح

نخست حقوق مردم و بهره‌مندی آن‌ها از تسهیلات و امکاناتی است که بر اثر تغییر و تحول در آن مکان به وجود آمده است. بدین معنا که باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که تمامی مردمی که در آن مکان قرار دارند از مزایای این تغییر برخوردار شوند و بدین طریق آن‌ها را در راستای یاری رساندن به اهداف مورد نظر ترغیب نمود.

به طور کلی توسعه‌ی گردشگری در مناطق روستایی در صورتی که منافع آن به جوامع محلی برگردد می‌تواند وسیله‌ی مناسب و سودمندی برای اصلاح اقتصادی و اجتماعی آن باشد.

۲.۳. ارتقای آگاهی مردم

دوم ارتقای آگاهی مردم نسبت به ارزشمندی آن مکان است؛ این اصل یکی از مهم‌ترین اصول

چهارگانه است، زیرا از این طریق می‌توان به سهولت به اصول دیگر نیز عمل نمود. یکی از راه‌های تجدید و احیای ارزش‌های گذشته، شناساندن آن‌ها به همگان است.

ارزش‌های ذاتی در میراث فرهنگی که بافت‌های روستایی نمونه‌ای جامع برای آن‌ها شمرده می‌شود، مربوط به اصالت در منابع محیطی و کالبدی این بافت‌هاست که تبلور ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و بومی است. نادر بودن گونه‌های باارزش روستایی، ارزش نسبی هنری و کارکردی و ارزش هویتی-بومی آن‌ها که ریشه در پیوند عاطفی جامعه‌ی روستایی با طبیعت دارد، حفاظت و صیانت از بافت‌های باارزش روستایی را ضروری می‌سازد. (جام کسری، ۱۳۸۹: ۶۳)

در ضمن هنگامی که مردم دارای حس تعلق باشند و نسبت به باارزش بودن آن‌چه در اختیار دارند، آگاه باشند، می‌توانند کمک بسیار بزرگی در راستای پیشبرد اهداف باشند.

اولین شیوه این است که مستقیماً از مردم روستایی بیاموزیم، به این معنی که سعی کنیم سیستم‌های دانشی آنان را درک کنیم و دانش فنی آنان را بشناسیم. اجرای این امر به عنوان جزیی از تعلیم و تربیت، بسیار نادر است. در دومین روش سعی بر تجربه‌ی دنیا از دریچه‌ی چشم روستاییان است؛ نشستن، گوش فرادادن به سخنان روستاییان به همان اندازه که یک نگرش است یک روش نیز محسوب می‌گردد؛ نشستن به معنی عدم تعجیل، صبر و حوصله و فروتنی است.

مشارکت مردم در اقداماتی که در راستای حل مسائل واقعی آن‌هاست، موجب می‌شود که آن‌ها با سرعت بیش‌تری در به ثمر رساندن اقدامات کوشش نمایند

۳.۳. مشارکت اهالی

سوم، مشارکت اهالی در به نتیجه رسیدن طرح است که این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که دو اصل بالا به صورت درست عمل کرده باشند، یعنی اگر مردم آگاهی کافی از آن‌چه می‌خواهد بشود داشته باشند و بدانند و ایمان داشته باشند که در نهایت از مزایای آن بهره‌مند خواهند شد، می‌توان تا حدود زیادی اطمینان یافت که این طرح در نهایت به نتیجه‌ی مطلوب خود خواهد رسید. این اقدام از دو نظر حائز اهمیت است: (رفیع‌پور، ۱۳۷۴: ۳۰۹)

۱. به عنوان یک هدف ارزشی، بدین معنی که مردم در تصمیمات و اقدامات مربوط به خود آن‌ها، شرکت موثر داشته باشند؛ به طوری که این مشارکت برای آن‌ها با ارزش شود و خود همواره مایل به این شرکت بوده و عدم دخالت آن‌ها در تصمیم‌گیری موجب نارضایتی و عصبان آن‌ها گردد.

۲. به عنوان یک وسیله‌ی مناسب، مشارکت مردم در اقداماتی که در راستای حل مسائل واقعی آن‌هاست، موجب می‌شود که آن‌ها با سرعت بیش‌تری در به ثمر رساندن اقدامات کوشش نمایند، آن اقدامات را برای خود بدانند و از آن‌ها مراقبت و حفاظت کنند و در صورت استهلاک یا تخریب، خود مجدداً در پی ساختن آن برآیند.

مراحلی که باید مردم در آن مشارکت داشته باشند، عبارتند از:

۱. مشارکت در طرح مسئله، راه‌حل‌یابی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی
۲. مشارکت در هزینه و نیروی کار لازم برای به ثمر رساندن اقدامات

کلیه‌ی مراحل به ترتیب، لازم و ملزوم یکدیگرند و رعایت هیچ یک از آن‌ها به تنهایی کافی نیست تا بتوان مردم را به همکاری و مشارکت ترغیب نمود. اگر اقدامات در پی تأمین آن‌گونه از نیازهای روستاییان باشد که از سوی آن‌ها ابراز شده و در مجموع با اهداف و اصول کلی یک جامعه‌ی سالم و خودکفایریت نداشته باشد، و رفع آن زنجیره‌ای از نیازهای جدید غیرقابل تأمین نیافریند می‌توان در یکایک این مراحل مردم را به مشارکت برانگیخت.

علاوه بر آن، مدلی که در زیر ارائه می‌گردد می‌تواند ما در این راستا هدایت کند: (رفیع‌پور، ۱۳۷۴: ۳۱۸-۳۱۳)

۱. پیشنهادها و اقداماتی که در یک روستا قرار است به مرحله‌ی اجرا درآید، باید برای آن روستا واقعاً مفید و باارزش باشد و روستا به طور واقعی به آن نیاز داشته باشد. پس از شناختن نیازها باید آن‌ها را تجزیه و تحلیل منطقی کرد و نیازهای مهم‌تر و واقعی را از بین آن‌ها انتخاب نمود.

۲. در مرحله‌ی بعد باید دید آیا خود مردم این را درک می‌کنند که نیاز واقعی آن‌ها همان است که بعد از تجزیه و تحلیل نیازهای ذهنی به دست آمده یا نه؟ در صورتی که نیاز واقعی را درک کنند که مسئله حل شده و می‌توان یک مرحله پیش رفت؛ اگر نه ابتدا باید در این تجزیه و تحلیل تجدید نظر کرد و اگر باز هم پاسخگو نبود با کمک روش‌هایی اهمیت و فایده‌ی آن اقدامات را به مردم فهماند؛ به طور مثال درباره‌ی فواید آن توضیح داد و در وقت مناسب، فیلم یا عکس‌هایی از روستاهایی که آن اقدام در آن‌جا انجام گرفته است، به مردم نشان داد و بعد از آن با مردم به صحبت و گفت‌وگو نشست و اشتیاق آن‌ها را برانگیخت؛ سپس به انتخاب مردم یک یا چند نفر از اهالی را که مورد قبول هستند و شرایط زندگی‌شان با بقیه‌ی افراد، متفاوت نیست، به روستاهایی برد که در آن‌جا آن اقدامات صورت گرفته است.

کتابنامه:

- اردستانی، محسن (۱۳۸۷). مبانی گردشگری روستایی. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. سقایی، مهدی (۱۳۸۵). گردشگری، ماهیت و مفاهیم. چاپ اول. تهران: سمت.
- جام کسری، محمد. بهسازی بافت‌های باارزش روستایی: فرایندی از ذهنیت تا عینیت. فصلنامه‌ی مسکن و محیط روستا. شماره‌ی ۱۳۱. پاییز ۱۳۸۹.
- دهقان، مهدی (۱۳۸۴). توسعه‌ی گردشگری پایدار. ماهنامه‌ی دهانی، شماره ۲۷.
- راسلق قزلباش، سلیمان. گردشگری روستایی و لزوم توجه به آن در برنامه‌های توسعه و آبادانی روستاها. فصلنامه‌ی مسکن و محیط روستا. شماره‌ی ۱۲۹. سال ۱۳۸۸.
- رفیع‌پور، فرامرز. جامعه‌ی روستایی و نیازهای آن، چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۴.
- شاریلی، ریچارد جولیا. گردشگری روستایی. ترجمه‌ی رحمت‌الله منشی‌زاده و فاطمه نصیری‌چاپ اول. تهران: انتشارات منشی. ۱۳۸۰.

مبانی و اهداف

۴.۳. مدیریت و نظارت مستمر

نحوه‌ی مدیریت و نظارت بر انجام فعالیت‌های صورت گرفته در تمامی مراحل آن نیز به عنوان اصل چهارم بر این هدف تاثیر بسزایی خواهد داشت؛ در واقع به عنوان مکمل تمام اصول بالا عمل کرده و بر روند کلی طرح اثرگذار است. روند گردشگری با این‌که نوید یک توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد تعادل منطقه‌ای را می‌دهد، گویای آن است که استفاده از این فرصت پدید آمده برای مناطق روستایی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی مستلزم هدایت، نظارت، کنترل و تقویت در چارچوب اهداف توسعه‌ی گردشگری روستایی است. از این رو برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی ضرورت یافته است.

همچنین حفظ ویژگی‌های طبیعی و جاذبه‌های گردشگری، حفظ محیط‌زیست و اصالت و یک‌پارچگی روستاهای ارزشمند و تاریخی، ایجاد توازن میان تقاضا و قابلیت‌های آن برای کاهش تنش‌ها از جمله ضرورت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی است.

صرف نظر از ابعاد تقاضای گردشگری، توسعه‌ی گردشگری نمی‌تواند بدون ایجاد بسترهای فیزیکی و کالبدی به عنوان طرف عرضه، جنبه‌ی عملی به خود گیرد. بنابراین برنامه‌ریزی کالبدی برای تقویت و توسعه‌ی بهینه‌ی امکانات و خدمات رفاهی و زیربنایی ضرورت می‌یابد؛ که این امر بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها، امکانات و محدودیت‌های عرضه و تقاضای گردشگری، جنبه‌ی مثبت به خود نخواهد گرفت.

جمع‌بندی

اگر پس از مطالعات و بررسی‌های دقیق مشخص شد که روستایی برای ادامه‌ی حیات خود - علی‌رغم پیامدهای منفی آن- به طرح گردشگری نیاز دارد، پیش از هر اقدامی ضروری است به راهکارهایی اندیشید تا در نهایت همان نتیجه‌ای را به دست آوریم که در ابتدا به دنبال آن بوده‌ایم؛ یعنی حیات دوباره بخشیدن به روستایی که در شرف از بین رفتن است.

اگر طرح گردشگری به گونه‌ای باشد که منافع آن به اهالی روستا بازگردد، حقوق مادی و معنوی آن‌ها رعایت شود، در به ثمر رسیدن طرح کمک خواهد کرد. در این صورت با ارتقای آگاهی مردم، هم آثار ارزشمند تاریخی روستا حفظ خواهد شد، زیرا مردم نسبت به داشته‌هایشان افتخار خواهند کرد و هم با اطمینان و اعتماد به مسئولان در بخش‌های مختلف این طرح یاری می‌رسانند. اما این اقدامات به تنهایی کافی نیست و برای تضمین موفقیت اقدام صورت گرفته و مشاهده‌ی آثار مثبت آن در سال‌های پس از اجرا، طرح گردشگری همواره مستلزم هدایت، نظارت، کنترل و تقویت در چارچوب اهداف توسعه‌ی گردشگری روستایی است.

• شمس‌الدینی، علی. گردشگری روستایی راهکاری سازنده برای توسعه‌ی روستایی. فصلنامه‌ی مسکن و محیط روستا، شماره‌ی ۱۳۱. پاییز ۱۳۸۹.

• فتاحی کنعانی، ایرج. توریسم و تاثیر آن بر جوامع روستایی. ماهنامه دهاتی، شماره ۲۰. سال ۱۳۸۴.

• قادری، زاهد. اصول برنامه‌ریزی ریزی توسعه پایدار گردشگری، چاپ اول، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها. ۱۳۸۳.

• قاسمی، ایرج. برنامه‌ریزی کالبدی حوزه‌های گردشگری روستایی، چاپ اول، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۸۸.

• مدهوشی، مهرداد. ناصرپور، نادر. ارزیابی موانع توسعه صنعت گردشگری در استان لرستان. فصلنامه‌ی پژوهش‌های بازرگانی، شماره‌ی ۲۸. سال ۱۳۸۲.

• مقصودی، طهماسب. لشگرآرا، فرهاد (۱۳۸۳). توریسم، توسعه و روستا. ماهنامه‌ی جهاد، شماره‌ی ۲۴۴.